ناشران

ژیلسون و ملاصدرا در انتشارات حکمت

شرق: انتشارات حکمت کتاب‌هایش را برای نوزدهمین دوره نمایشگاه با طراحی جلد و صفحه‌آرایی متفاوتی آماده کرده است. ناشر تخصصی آثار فلسفی (اعم از فلسفه اسلامی و غرب) پنج عنوان کتاب جدید در نمایشگاه امسال دارد.

اولین کتاب از مجموعه آشنایی با فرهنگ غرب «هستی در اندیشه فیلسوفان» تالیف «اتین ژیلسون» است. ژیلسون (متولد ۱۸۸۴ - متوفی ۱۹۷۸)، فیلسوف و مورخ بزرگ فرانسوی از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۲ به تدریس «فلسفه در قرون وسطی» در دانشگاه سوربن پاریس پرداخته و بعد به نحو رسمی، کرسی استادی این درس را در «کلژ دوفرانس»، مرکز بزرگ علمی کشور فرانسه، به دست آورده است. او همچنین در سال ۱۹۲۹ از بنیانگذاران موسسه کلیسایی مطالعات در تفکر قرون وسطی در شهر تورنتو کانادا بوده و در سال ۱۹۴۶ بعد از جنگ جهانی دوم به عضویت آکادمی فرانسه انتخاب شده است. ژیلسون همچنین به سبب ایمان راسخ و تعهدات دینی خود، عملاً یکی از رهبران اصلی نهضت احیای فلسفه توماس آکوئینی، در کلیسای رومی مسیحی بوده و بیش از چهل کتاب و تعداد زیادی مقاله به زبان فرانسه و انگلیسی دارد. کتاب هستی در اندیشه فیلسوفان (که عنوان اصلی آن Being and some Philosophers است) توسط سیدحمید طالب‌زاده ترجمه شده و کریم مجتهدی نیز در مقدمه‌ای اهمیت آن را بیان کرده است. انتشارات حکمت ابتدا قصد داشت ترجمه کتاب را به دلیل دشواری کار با همکاری دو مترجم به پایان برساند به طوری که سه فصل اول کتاب به عهده سیدحمید طالب‌زاده و سه فصل دوم به عهده محمدرضا شمشیری نهاده شد، اما پس از تمام شدن کار ترجمه توافق شد که برای یکدست شدن نشر کتاب و هماهنگی کامل دو بخش، حمید طالب‌زاده بخش دوم را بازنویسی و ویرایش کند. «هستی در اندیشه فیلسوفان» تحلیل سیر مفهوم «وجود» و «هستی» در نزد بزرگ‌ترین فیلسوفان سنت غربی است. نویسنده معتقد است که وجود در تاریخ فلسفه به دست فراموشی سپرده شده و فیلسوفان همواره امری غیر از وجود را سرلوحه تحقیقات فلسفی خود قرار داده‌اند. در واقع نویسنده معتقد است که بزرگ‌ترین فیلسوفان سنت مابعدالطبیعه غربی، از پارمنیدس و افلاطون و ارسطو گرفته تا دکارت و کانت و هگل اصحاب اصالت ماهیت بوده‌اند و حذف و طرد «وجود» از مابعدالطبیعه منجر به ایجاد مابعدالطبیعه‌هایی نامنطبق با نظام وجودی عالم شده و حتی اگزیستانسیالیسم معاصر با دعوی بازگشت به وجود از درک حقیقی وجود بازمانده و شبحی تهی را جانشین آن کرده است. تحلیل‌های ژرف و موشکافانه نویسنده از فیلسوفانی همچون افلاطون، ارسطو، ابن‌سینا، ابن‌رشد، آکویناس، کانت، هگل و کی‌یر کگارد به این کتاب عمقی درخور توجه داده است. کریم مجتهدی در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته با اشاره به جایگاه ژیلسون در میان اساتید فلسفه می‌گوید: «در میان استادان بزرگ قرن بیستم - اعم از فرانسوی یا غیر- کمتر کسی به اندازه ژیلسون توانسته است تبحر و وسعت اطلاعات واقعاً استثنایی خود را با دقت علمی و صلاحیت اخلاقی در امر تحقیق و تجسس هماهنگ نماید، به نحوی که حتی تعهدات دینی او، مانع از حفظ انصاف و تعادل در موضع‌گیری‌های اجتناب‌ناپذیر او نمی‌شود. از این لحاظ ژیلسون نه فقط یکی از اولین کسانی است که به خوبی تاثیر سازنده افکار فلاسفه بزرگ مسلمان چون فارابی و خاصه ابن‌سینا را در نزد متکلمان غربی نشان داده، بلکه افزون بر آن با مقایسه افکار آنها با سنت‌های یونانی، بر جنبه بدیع و بسیار عمیق تفکر خاص آنها نیز کاملاً تاکید کرده است. او همچنین از این رهگذر نشان داده که کلاً سنت‌های فکری و مراحل تکوینی آنها در قرون وسطای مسیحی، برخلاف آنچه به نحو متداول و سطحی بعد از تجدید حیات فرهنگی غرب (رنسانس) و خاصه بعد از قرن هجدهم تصور می‌شده، عمیقاً فعال و در کار بوده و در واقع ریشه اصلی تمام تحولات بعدی فرهنگ غربی بوده است. به عقیده او - بحق- اگر از مراحل تکوینی تفکر غربی در قرون وسطی صرف‌نظر کنیم، دیگر هیچ رابطه واقعی میان تفکر در عصر جدید و معاصر با دوره باستان نمی‌توانیم برقرار سازیم.»

انتشارات حکمت البته یک کتاب دیگر هم از ژیلسون ترجمه کرده است با عنوان «فلسفه اسلامی و یهودی به روایت ژیلسون». مترجم این کتاب حسن فتحی و ویراستار آن منصور ایمانپور است. اما سومین کتاب این انتشارات بخش نخستین «دره‌التاج» علامه قطب‌الدین شیرازی است که با مقدمه و تصحیح سیدمحمد مشکوه به چاپ رسیده است. این کتاب به همراه «مجموعه آثار حکیم جلوه» و «اسرارالآیات» صدرالمتألهین محمدبن ابراهیم شیرازی از قطورترین کتاب‌های انتشارات حکمت هستند که در نمایشگاه امسال به چشم می‌خورد. برخی دیگر از کتاب‌های قدیمی انتشارات حکمت که امسال تجدید چاپ شده‌اند عبارتند از: تقریرات شرح منظومه به عربی، مجموعه رسائل فلسفی ملاصدرا، در سراشیبی به سوی گومورا (لیبرالیسم مدرن و افول آمریکا)، ترجمه الجوهر النفید، فرهنگ تحلیلی مذاهب آمریکایی، واژه‌نامه فلسفی و علم اخلاق اسلامی. تجدید چاپ این کتاب‌ها با طبع مناسب شایسته تقدیر است.

انحرافات از کجا می‌آیند

جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعتی ایران

کتاب «جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعتی ایران» توسط دکتر داور شیخاوندی، استاد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگر مسائل اجتماعی ایران در هفت دفتر (دفتر نخست: گذار از اجتماع سنتی به جامعه صنعتی / دفتر دوم: نظریه‌های جامعه‌شناسیک آسیب‌شناسی و انحرافات / دفتر سوم: نگرش اسطوره‌ای - تاریخی، انسان‌شناسیک و جامعه‌شناسیک به نظم و نظارت در اجتماعات کهن و جوامع معاصر / دفتر چهارم: رابطه انحرافات و مسائل جامعتی با ساختارهای جامعه / دفتر پنجم: رابطه ساختار معیشتی شهری با آسیب‌پذیری و آسیب‌زدایی / دفتر ششم: نهادهای آسیب‌زا و آسیب‌زدا / دفتر هفتم: قربانیان دود و دم و بیداد) و در نوزده بخش تنظیم و تدوین شده است. از ویژگی‌های قابل توجه در این کتاب می‌توان به فهرست جداول، نمودارها و شماره‌بندی موضوعات و مباحث در هر دفتر اشاره کرد که دسترسی خوانندگان را به مفاهیم کتاب و موضوعات مشخص و مدنظر، جهت پژوهش و تحقیق، آسان می‌کند.

قبل از اینکه به مرور بخش‌هایی از کتاب بپردازیم، این نکته اساسی را متذکر گردم که جامعه‌شناسی انحرافات در میان سایر حوزه‌های جامعه‌شناسی عینی‌تر و کاربردی‌تر است و در مقابل می‌توان به جامعه‌شناسی شناخت (معرفت) که ذهنی‌تر و انتزاعی‌تر است اشاره داشت.

انحرافات اجتماعی پدیده‌های ناشی از زندگی جمعی هستند که در جامعه به وجود می‌آیند و علت و معلولی عمدتاً ناشی از ساختارهای جامعه دارند، که نقض قوانین و هنجارهای جامعه‌اند از جامعه‌شناسی و به طور خاص، جامعه‌شناسی انحرافات می‌توان پرسید «در چه نوع جامعه‌ای این امر رخ می‌دهد؟ چه شرایط [و منزلت] اجتماعی باعث می‌شوند افراد انسانیت خود را از دست بدهند؟ علل اجتماعی فقر، جرم و جنایت و خشونت ویرانگر چیست؟» [جوئل شارون، صبوری، ۸۲، ۲۰] و از طرف دیگر اینکه به علت وجود جمعیت جوان در هر جامعه به ویژه کشور و جامعه خودمان ایران که حداقل نیمی از جمعیت آن را جوانان تشکیل داده‌اند پرداختن به مسائل و آسیب‌های اجتماعی از قبیل طلاق، ازدواج، اشتغال، دزدی، فحشا و غیره امری بدیهی است و باید پژوهشگران به این مسائل در جامعه‌شناسی ایرانی توجه بیشتری نمایند. نویسنده کتاب در این اثر پژوهشی تمام تلاش خود را به کار گرفته است تا تصویری روشن و کاربردی از جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل آن نسبت به جامعه ایران ارائه کند. برای نمونه، وی در دفتر پنجم پس از بررسی ساختار فضایی معیشتی ما بین شهر و روستا و تضادهای آن، به پرخاشگری و ناامنی در بافتار فضای شهری می‌پردازد.

وی می‌نویسد: «جهش ناگهانی پرخاشگری در شهرهای بزرگ در ارقام و آمار خودنمایی می‌کند: در فاصله دهه ۱۳۸۲ ـ ۱۳۷۶ در ایران تعداد زندانیان جرم و جنایت ۳ برابر گشته است، ولی اگر ارقام را برحسب تعداد پرونده‌های [موجود] مورد رسیدگی قرار دهیم در می‌یابیم که تعداد آنها از «صندوق زنی» مسلحانه از بانک‌ها و طلافروشی‌ها... تا کیف‌قاپی چندین برابر گشته است. از آن تاریخ تاکنون این نوع جرایم به فزونی فزاینده خود ادامه داده‌اند.» (ص ۳۱۹)

وی در ادامه به بررسی میزان پرخاشگری در شهر تهران در سال ۱۳۸۰ پرداخته و می‌نویسد اگر این جرایم را بر تعداد استان‌های کشور به تساوی تقسیم کنیم: ۱۶ فقره قتل برای هر استان، ۱۵ فقره تجاوز به عنف در هر استان، ۱۳ فقره آتش‌سوزی عمدی در هر استان، ۱۸۳۳ فقره سرقت از خانه و سایر ارقام و آمارها پیرامون مسائل اجتماعی در ایران که نشان‌دهنده میزان شدت و فزونی آسیب‌های اجتماعی در ایران است.

در ادامه وی به احساس ناامنی، خاستگاه ترس و غیره می‌پردازد که جالب و خواندنی است. نویسنده کتاب دفتر ششم را به «نهادهای آسیب‌زا و آسیب‌زدا» اختصاص داده و نهاد آموزش و پرورش را مدخل ورود به این بحث قرار می‌دهد.

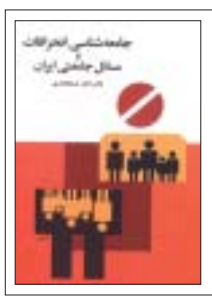

جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعتی ایران
دکتر داور شیخاوندی
ناشر: نشر قطره
چاپ اول/ ۱۳۸۴
بها: ۴۵۰۰ تومان

وی در این باره می‌نویسد: «آموزشگاه با تمام قوانین و مقرراتش به مثابه کارخانه‌ای است که مواد خام، چون کودکان، تحت شرایط خاص و در قالب ویژه، اعمال و رفتاری را فرا می‌گیرند که برای عموم گروه‌ها و طبقات جامعوی ظاهراً یکسان است.» (ص ۳۶۸)

وی معتقد است که مدرسه تلاش در همسان‌سازی انسان‌ها بدون ارزش‌های قومی، فرهنگی و اجتماعی را باید هدف و مدنظر خود قرار دهد (به عنوان نهادی آسیب‌زدا)، کودکان در مدرسه با آموختن نظم و مقررات، خود را برای اطاعت از قوانین کلان‌تر در جامعه آماده می‌سازند، کودکان در بازی‌های دسته‌جمعی می‌آموزند که چگونه و چرا باید اهداف گروهی را بر هدف‌های فردی خویش ترجیح دهند، کودک در مدرسه با اصل پاداش و کیفر آشنا می‌شود؛ اصلی که بعدها با ورود به عرصه‌های اجتماعی به طور رسمی‌تر و جدی‌تر با آنها مواجه می‌شود.

وی در ادامه بدین نکته اشاره دارد که آموزشگاه می‌تواند نهادی آسیب‌زا نیز تلقی گردد، زمانی که امکانات آموزشی به طور برابر در میان اقشار مختلف جامعه تقسیم نگردد، این عدم یکسانی و توازن می‌تواند عاملی در ایجاد تنش و بزهکاری در جامعه شود. وی به ۲۴ مورد از عوامل مستقیم و غیرمستقیم دخیل در این فرآیند اشاره می‌کند، که در زیر به چند مورد جهت نمونه اشاره می‌کنیم:

۱- کمبود معلمان متبحر در سطح ابتدایی، راهنمایی و متوسطه ۲-نامساعدبودن شرایط برای فعالیت‌های آموزشی ۳- محافظه‌کار بودن نظام آموزشی ۴- نبود مشاوران و مددکاران اجتماعی در نظام آموزشی در کنار دانش‌آموزان (به طور جدی نه صوری) و سایر موارد که خواندنی است.

وی در ادامه همچنین به پژوهش‌هایی که در این عرصه صورت گرفته است اشاره دارد که به غنای این دفتر افزوده است. وی در ادامه به این مهم می‌پردازد که «رسانه‌های جمعی» تا چه حد در آسیب‌زدایی و آسیب‌زایی در جامعه نقش دارند. «در میان رسانه‌های جمعی فیلم‌های سینمایی به عنوان یک عامل موثر در انحراف و بزهکاری جوانان سابقه قدیم‌تری دارد. نمایش اعمال خشونت‌بار، کشتار، جنایت، خون‌آشامی (دراکولا) و نیز صحنه‌های هیجان‌انگیز در فزونی و تشدید اعمال انحرافی و بزه اثر بسزایی دارد.» (ص ۳۹۸)

وی معتقد است که فیلم‌ها خود فی‌نفسه تولیدکننده و آفریننده جرم و جنایت نیستند (البته نویسنده این نظر را مبتنی بر پژوهش‌های به عمل آمده ابراز می‌دارد) بلکه در نزد افرادی که زمینه‌های خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی آنان مستعد جرم‌زایی است می‌تواند عاملی در سوق‌دادن فرد به انحراف باشد. در ادامه این دفتر وی به بررسی سایر نهادهای مرتبط با رسانه‌های جمعی آسیب‌زا و آسیب‌زدا پرداخته است. در نهایت باید گفت که پرداختن به مسائل و مشکلات جامعه باید در نزد جامعه‌شناسان و پژوهشگران اجتماعی کشورمان در طیف گسترده‌تری مورد توجه قرار گیرد تا جامعه‌ای سالم‌تر و انسانی‌تر داشته باشیم.

طرح حمله به روایت باب وودوارد

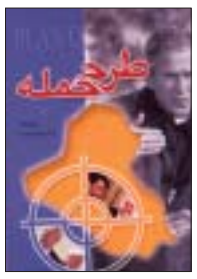

طرح حمله
باب وودوارد
ترجمه: فریدون دولتشاهی
انتشارات اطلاعات
چاپ اول: ۱۳۸۵
تیراژ: ۲۱۰۰ نسخه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

محمود فاضلی: نویسنده کتاب که یک روزنامه‌نگار است، نقش زیادی در افشای ماجرای ریچارد نیکسون در اوایل ۱۹۷۰ داشته و با همکاری روزنامه‌نگار دیگری، ماجرای واترگیت را در روزنامه واشینگتن پست آمریکا فاش ساخت و سپس کتاب «همه مردان رئیس جمهوری» را نوشت. اما شاید نکته فوق‌العاده‌تر درباره او این است که او توانسته است با ایفای یک نقش دوحزبی به گروه «بیل کلینتون» هم دسترسی پیدا کند. نویسنده از خود یک آدم سالم و بی‌خطر که می‌توان هر چیزی در گوشش زمزمه کرد، ساخته است. اما اگر این به این معنا تعبیر شود که او بی‌بو و خاصیت و آدمی است که کوتاه می‌آید، غیرمنصفانه است، چون این طور نیست. هرچند کتاب‌های او بیشتر داستان‌پردازی هستند تا تبلیغ یک خط سیاسی شخصی. محتمل‌ترین دلیل در دو بخش مطرح می‌شود: یکی این که سابقه آقای وودوارد اکنون پس از سی سال کار و یازده کتاب قبلی، صحبت نکردن با او را خطرناک ساخته است و برای دیگران مطمئناً خطرناک‌تر خواهد ساخت. دوم این که با توجه به کار او با کاخ سفیدنشینان و کسب تجربیات جدید، او مظهر یک تجربه روزنامه‌نگاری است که نشان می‌دهد چگونه باید روی این تجربه حساب کرد و دوباره از آن مطمئن شد.

کتاب «طرح حمله» نیز مانند بسیاری از کتاب‌های قبلی وی تا اندازه‌ای یک داستان رده‌بندی شده است، چون قصه جذابی را از داستانی دست اول از تدارکات برای حمله به عراق از سال ۲۰۰۱ تا پایان رسمی جنگ در ماه مه سال ۲۰۰۳ روایت می‌کند، اما همچنین چون شدیداً به گفت و شنود ابداع شده متکی است، اجازه می‌دهد کتاب مانند یک رمان پیش برود. پس به این ترتیب کتاب یک واقعیت است یا یک داستان تخیلی؟

بعضی از گفت‌وشنودها از صورت جلسه‌ها یا یادداشت‌ها و خاطرات مصاحبه‌شونده‌ها گرفته شده‌اند، اما بیشترشان از نو بازسازی شده‌اند و تنها در دست‌های مردی با شهرت آقای وودوارد، آدمی که قادر است با بیش از ۷۵ سیاستمدار، مقام، مامور اطلاعاتی و سرباز مصاحبه کند، یک چنین شیوه‌ای می‌تواند واقعاً معتبر باشد. اطلاعات موجود در این کتاب از شخصیت‌های مهم که به طور مستقیم در رویدادها شرکت داشتند از جمله اعضای کابینه جنگ، کارکنان کاخ سفید و مقام‌هایی که در سطوح مختلف وزارتخانه‌های خارجه و دفاع و اداره اطلاعات مرکزی خدمت می‌کردند، گرفته شده است. نویسنده همچنین با جورج بوش رئیس جمهوری در ظرف دو روز بیش از سه ساعت و نیم مصاحبه نموده که به طور رسمی ثبت شده است. وی همچنین با رامسفلد بیش از سه ساعت مصاحبه داشته است. بسیاری از نقل‌قول‌های مستقیم گفت‌وشنودها، تاریخ‌ها، زمان‌ها و جزئیات دیگر این داستان از اسناد از جمله یادداشت‌های شخصی، گاهنامه‌ها، رویدادنگاری‌ها، پرونده‌های رسمی و غیررسمی، متن گفت‌وگوهای تلفنی و خاطرات گرفته شده‌اند.

نویسنده همچنین هدف خود را از بازگو کردن راهبردها، نشست‌ها، گفت‌وگوهای تلفنی، جلسه‌های برنامه‌ریزی، انگیزه‌ها، تنگناها، کشمکش‌ها، تردیدها و احساسات خود بیان داشته و گریزپاترین بخش‌های هر تاریخ بیشتر لحظه‌های بحرانی در بحث‌ها و نقطه عطف‌ها و تصمیم‌های مهم هستند که سال‌ها پنهان باقی می‌مانند و فاش نمی‌شوند تا روسای جمهوری و دیگران از صحنه کنار بروند. این کتاب تاریخچه بسیاری از این لحظه‌ها را ارائه می‌دهد.

کتاب مدعی است «برنامه‌ریزی برای حمله به عراق به زودی پس از سپتامبر سال ۲۰۰۱ آغاز شد، ولی روایت او احساس جنجالی ندارد: تدارک یک طرح حمله با تصمیم‌گیری درباره آن تفاوت زیادی دارد، اما یک پیش‌درآمد ضروری برای آن است. دولت مانند همیشه در موارد مشابه با اختلاف نظر با آن برخورد می‌کند، با پول و وزارت امور خارجه که در طرف رزمندگان با اکراه قرار دارد. البته یک چنین شکافی به هیچ وجه تعجب‌آور نیست. هر سازمانی که در شرایطی نامطمئن تصمیم سنگینی می‌گیرد، چنین اختلاف دیدگاهی را انتظار دارد. شاید حتی از آن استقبال هم می‌کند.»

هر چند این کتاب پر از داستان درباره فعالیت‌های سیا در عراق و برنامه‌ریزی جنگ است اما، نکته تاریکی به معنای مجازی در آن وجود ندارد. جورج بوش به عنوان یک آرمانگرا حاضر است ریاست جمهوری‌اش را به خطر بیندازد، همین طور تونی بلر نخست وزیر انگلیس نیز چنین است. کالین پاول (وزیر خارجه سابق آمریکا) به عنوان یک دردسرآفرین اما وظیفه‌شناس به ذهن خطور می‌کند. ژنرال‌ها کارشان را در جنگی شدیداً آشفته، به بهترین وجه انجام می‌دهند اما جورج تنت (رئیس سابق سیا) درباره مسئله سلاح‌های کشتار جمعی وحشتناک به نظر می‌آید. شخصی که از همه بدتر بیرون می‌آید. آقای چنی، هم به عنوان یک ماکیاولیست و هم به عنوان کسی است که مصمم است چیزهایی را باور کند که مدرکی برای آنها وجود ندارد. او ممکن است یک مسئول نشان نداده باشد اما همچنان به عنوان یک مشورت‌دهنده باقی می‌ماند.

رساله دخانیه ملا محمدعلی هیدجی

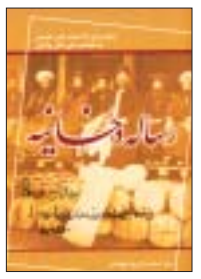

رساله دخانیه
حکیم ملامحمدعلی هیدجی
به اهتمام علی‌اکبر ولایتی
انتشارات مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی
۳۵۰۰ تومان

شرق: آن حکم عجیب و غریب را با آن الفاظ عجیب و غریب، لابد همه ما درکتاب‌های تاریخ دبیرستانمان دیده‌ایم: «الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان است.» ماجراهای بعدش را همین طور؛ شکستن قلیان‌ها و انداختن آنها به کوچه و خیابان و حتی قضیه آن زن درباره ناصرالدین شاه را که از چاق کردن قلیان شهنشاه ایران سر باز زد و...

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی چاپ دوم کتاب «رساله دخانیه» (به اهتمام علی‌اکبر ولایتی) را امسال به نمایشگاه عرضه کرد. این کتاب که چاپ اول آن در سال ۱۳۸۱ بود به ماجرای نهضت تنباکو و پیش‌زمینه‌های آن می‌پردازد. علی‌اکبر ولایتی مقدمه‌ای بر چاپ دوم این کتاب نوشته است که با هم می‌خوانیم:

انتشار چاپ اول کتاب رساله دخانیه تألیف حکیم الهی و عارف جلیل‌القدر ربانی مرحوم حاجی ملامحمد هیدجی باب جدیدی را در شناخت آن بزرگوار در نزد خواص گشود که قبلاً پوشیده بود. زیرا پیش از انتشار این رساله، آن عزیز را از سلسله علمای عامل و عرفای واصل که حاشیه بر منظومه مرحوم حاج ملاهادی سبزواری نوشته و بزرگانی را در حوزه حکمت و عرفان شیعی تربیت نموده بود، می‌شناختند.

ولی نشر این رساله که محتوا و جهت‌گیری‌های آن حکایت از بصیرت آن بزرگوار در امور سیاسی و اهتمامش در رفع گرفتاری‌های مسلمانان و پایمردی‌اش در مبارزه علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی می‌نماید، نشان دیگری از جامعیت شخصیت آن عالم را آشکار کرد.

در تجدید چاپ کتاب، تغییرات و اصلاحاتی به شرح ذیل صورت گرفت و بخش‌هایی بر آن افزوده گردید:

۱- پس از مشورت با اهل نظر، قرار بر این شد که تصویر کل نسخه دست‌نویس منحصربه فرد مرحوم هیدجی نیز درکنار متن بازنویسی شده چاپ شود تا مراجعه به آن، هر گونه شبهه‌ای را نسبت به اصالت رساله برطرف کند.

۲- بعضی اشتباهاتی که در بازخوانی اولیه نسخه خطی صورت گرفته بود، اصلاح شد.

۳- حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای مرسلی از مرحوم شیخ ابراهیم صالحی، فرزند مرحوم ملانظرعلی، مکتوباتی را که مرحوم هیدجی خطاب به همدرس و انیس حجره و جلیس مدرس خود، یعنی عارف واصل مرحوم ملانظرعلی، قلمی کرده بود در اختیار اینجانب گذاشت که اکنون به عنوان مکمل در ویراست دوم به چاپ رسیده است. این نامه‌ها نشان می‌دهد که ایشان در عین بی‌رغبتی به دنیا، از ملک و ملت غافل نبوده و نسبت به تحولات سیاسی زمان خود وقوف کامل داشته و خود را موظف به فعالیت سیاسی و تحرکات اجتماعی در جهت رفع مشکلات آن روز مردم ایران می‌دید و تلاشش منحصر به وقایع‌نگاری تاریخچه قرارداد رژی و صدور فتوای تحریم از سوی مرحوم میرزای شیرازی نبود.

جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای مصطفی مرسلی که از اجله فضلای هیدج و زنجان هستند و طی سال‌های قبل و بخصوص پس از انقلاب، همواره با جدیتی خستگی‌ناپذیر، سعی در آبادی آن منطقه و احیای حوزه علمیه هیدج داشته و منشاء خدمات ذی‌قیمتی درتقویت پایگاه‌های علمی و دینی استان زنجان بوده و سعی بلیغ در معرفی بزرگان علم و معرفت آن دیار بخصوص مرحوم ملامحمد هیدجی نموده‌اند، مجدداً از من خواستند که با انجام اصلاحات و تکمیل کتاب، در چاپ دوم، به شرحی که گذشت اقدام کنم و به‌رغم مشغله فراوانی که در امور علمی، تبلیغی و خیریه دارند، بار دیگر مرا رهین منت خویش نموده و مقدمات کار را برای تجدید چاپ نیز فراهم کردند که از خداوند توفیق بیشتر ایشان را در انجام خدمات دینی و فرهنگی خواستارم.

اخیراً ایشان در ادامه خدمات فرهنگی خود، نسخه اصلی دست‌نویس مجموعه دیوان حکیم هیدجی شامل اشعار ترکی، فارسی و عربی و نسخه‌ای از دانشنامه تالیف آن بزرگوار را که حسب وصیت وی تحویل مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای شیخ محمد حسین فخیمی، معروف به حاج آخوند، استاد بزرگ حوزه علمیه زنجان شده بود توسط فرزند آن مرحوم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ ابومحمد فخیمی که ایشان نیز از جمله مدرسین حوزه علمیه هیدج هستند دریافت و در اختیار اینجانب قرار دادند که امید است این دو اثر نیز قریباً با یاری پروردگار توانا به شکل مناسبی منتشر گردد.

جناب آقای داود چرمی رئیس محترم و فرزانه مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه و جناب آقای محمدحسن کاووسی استاد محترم تاریخ در چاپ مجدد این رساله تلاش‌های ارزشمندی نمودند که بدین‌وسیله از زحمات ایشان نیز صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.

علی‌اکبر ولایتی
فروردین ۱۳۸۵

ادامه از صفحه ۲۵

پیشوای پیژامه‌پوش

در واقع شاه بنا به ترس و جبن ذاتی خود (قبل از کودتای ۲۸ مرداد) نمی‌خواست ریسک کند و میان شاه بی‌مسئولیت بودن و شاه نبودن اولی را ترجیح می‌داد. رهنما گزارش می‌دهد که همین اقدامات شاه سبب شد قوام نه در ۳۰ تیر که در ۲۶ تیر (اندکی پس از به قدرت رسیدن) استعفا دهد. (۶۶۶) در واقع شاه از یک‌سو در موافقت با نخست‌وزیری قوام و از سوی دیگر در مخالفت با بازداشت کاشانی دو فرصت را ناآگاهانه در اختیار مصدق قرار داد: اول فرصت میدان‌داری کاشانی و دوم پیوستن کاشانی به مصدق و تحکیم دوستی آنها چرا که اگرچه کاشانی با مصدق مخالف بود اما او را بر قوام ترجیح می‌داد.

با این همه مصدق از ۹ اسفند ۱۳۳۱ محمدرضا پهلوی را بایکوت کرد و از دیدار او خودداری کرد و دربار را به محلی برای مخالفان خود تبدیل کرد. مصدق گرچه با خروج شاه از ایران مخالف بود اما با تداوم فاصله خود از شاه سبب شد که مخالفانش ثابت کنند مصدق اصلاح‌طلب، برانداز است و می‌خواهد در ایران اعلام جمهوری کند. این در حالی بود که آیت‌الله کاشانی و حتی فدائیان اسلام به تدریج با احترام از محمدرضا نام می‌بردند. جمهوریخواهی مصدق البته نه اتهام که آرزوی روشنفکران زمان بود اما هنگامی که در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ سرانجام محمدرضا پهلوی با ترس و لرز از ایران فرار کرد، مصدق اعلام جمهوری نکرد. در واقع مصدق بدون هیچ‌گونه دورنمای سیاسی نظام مشروطه‌سلطنتی را عملاً تعطیل کرده بود.

اگر او جمهوریخواهی راسخ بود می‌توان تمام اقداماتش تا ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ را بر اساس یک برنامه هوشمندانه سیاسی تحلیل کرد: سلب اختیارات مجلس نامشروع هفدهم در قانونگذاری، به دست گرفتن اختیار ارتش و نیروهای مسلح، انحلال مجلس هفدهم و سرانجام فرار دادن شاه از کشور باید در ۲۵ مرداد به استقرار جمهوری ایران منتهی می‌شد اما درست هنگامی که وقت میوه چیدن شد، در فاصله ۳ روز فیل مصدق یاد مشروطه‌خواهی کرد. از ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ بر اساس آرمان‌های نهضت ملی ایران تنها فرد مشروع برای حاکمیت در کشور شخص محمد مصدق بود. اما با تلاش برای زنده‌نگه‌داشتن مرده‌ریگی به‌نام مشروطه سلطنتی در حالی که تمام نهادهای آن فروریخته بودند مصدق تیشه به ریشه خود می‌زد. او از نهم اسفند ۱۳۳۱ پوپولیستی تمام‌عیار شده بود: مجلس هفدهم را به درستی نامشروع می‌خواند اما بر اساس تمایل و رای اعتماد همین مجلس رئیس دولت شد و آن‌گاه تمام اختیارات قانونگذاری مجلس را بر اساس رای خود مجلس مصادره کرد و سرانجام مجلس را با رای مستقیم مردم منحل کرد. رایی که جلوی چشم پان‌ایرانیست‌های هوادار دولت در دو صندوق جداگانه آری و نه اخذ می‌شد و گویی مصدق مایل بود موافقان و مخالفان خود را به نام بشناسد و چهره در چهره مخالفان خود بدوزد و اگرچه آزادمنش‌تر از آن بود که آنان را مجازات کند اما کاریزماتر از آن بود که عرق شرم را به چهره مخالفانش ننشاند. و چون مجلس هفدهم منحل شد همان رای نامشروع مجلس هفدهم به اقتدار و اختیار مصدق هم منحل شد. مصدق البته پس از انحلال مجلس هفدهم به میان مردم رفت و با شعاری به شدت جذاب و البته پوپولیستی گفت مجلس واقعی جایی است که مردم در آن حضور دارند. آیا او در پی آن بود که دموکراسی و نمایندگی را به دموکراسی مستقیم تبدیل کند؟ آیا این گذار از لیبرالیسم به پوپولیسم بود؟ بر فرض آنکه چنین باشد مصدق از قدرت مردم نیز استفاده نکرد و اجازه باقی ماندن مجلس واقعی را در خیابان‌ها نداد. مصدق وقتی به خیابان‌ها هم آمد خود را تنها دید چرا که گرچه بنیانگذار جبهه ملی بود اما به روایت رهنما از آغاز نخست‌وزیری از جبهه ملی هم جدا شد و دیگر در جلسات آن شرکت نکرد و در تعیین دولت با آن هرگز مشورت نکرد. مصدق در عمل با وجود اعتقاد عمیق به آزادی احزاب هیچگاه از روش تصمیم‌گیری حزبی پیروی نکرد و به‌تدریج بیشتر دوستانش به مخالفان او تبدیل شدند. او دوست داشت خود را پیشوای محبوب همه مردم بداند تا گروهی که هم‌حزبی او بودند. اتفاقی که ممکن نبود. این در حالی بود که کاشانی سخت به تحزب می‌پرداخت و چند گروه سیاسی و حزبی در پیرامون خود فراهم آورده بود. همین گروه‌ها بودند که در ۳۰ تیر مصدق را دوباره به قدرت رساندند اما در ۲۸ مرداد نه مصدق به حزب توده اعتماد داشت و فداییان اسلام را قبول می‌کرد و نه مجاهدین اسلام یا حزب زحمتکشان از او حمایت می‌کردند. پیشوا تنها بود با خیل سلطنت‌طلبانی که ۱۲ سال پس از سقوط دیکتاتوری رضاشاه تولد دیکتاتوری تازه را جشن می‌گرفتند. یک شب که مصدق و مردم در خواب بودند محمدرضا که خوار و خفیف رفته بود در قامت رضاشاهی دیگر بازگشت و به مدد کودتایی از جنس سوم اسفند، از نمایش مشروطه‌خواهی دست کشید و پادشاه مطلقه شد. این همان راهی بود که خلیل ملکی خبر از آن داده بود و به مصدق گفته بود: «آقای دکتر راهی که شما می‌روید به جهنم است اما ما حتی تا جهنم هم با شما می‌آییم.» بدین‌ترتیب ملت ایران چنان شیفته مصدق شدند که با پیشوای پیژامه‌پوش خود تا جهنم ۲۸ مرداد هم رفتند.

■■■

پژوهش کم‌نظیر علی رهنما درخور ستایشی بی‌دریغ است. تعدد منابع و انصاف در تحلیل و قوت نظریه سه ویژگی اصلی پژوهش اوست. از آغاز کتاب هیچ چیز روشن نیست و نویسنده قصد القای هیچ فرضیه‌ای را ندارد. او نه سلطنت‌طلب است، نه ملی‌گرا و نه بنیادگرا. نویسنده فضیلت‌های هیچ‌کس را انکار نمی‌کند گرچه از آزمون تاریخ‌نگاری او تنها آیت‌الله بروجردی سالم بیرون می‌آید اما مصدق و کاشانی و حتی نواب هم انکار نمی‌شوند. از آن پس با سه اسلام و یک نهضت مواجه می‌شویم: آیت‌الله بروجردی به نمایندگی از مکتب قم (اسلام سنتی)، آیت‌الله کاشانی به نمایندگی از مکتب تهران (اسلام سیاسی) و نواب صفوی به نمایندگی از مکتب حاشیه‌ای شهرری (اسلام انقلابی) و اما آن نهضت، پیشوایی داشت که گرچه در آزاداندیشی نامی نیک از خود بر تارک تاریخ نهاده اما به‌تدریج از لیبرالیسم به سوی پوپولیسم حرکت کرد و برای پیوستن به آنچه توده مردم می‌پنداشت همه نخبگان را از خود راند. زندگی محمد مصدق فقط قصه مکرر ناکامی اصلاح‌طلبی در ایران نیست داستان ناخوانده ناکارآمدی اصلاح‌طلبان هم هست. قصه‌ای که در عصر ما هم تکرار شد.

توضیح

*این مقاله، تفسیری آزاد از کتاب علی رهنما به نام «نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی» است و قضاوت‌های آن الزاماً منطبق با دیدگاه نویسنده ارجمند کتاب نیست.